



## Pathology of the Law on the Use of Weapons in Explaining Permitted Shooting Cases

## آسیب‌شناسی قانون به کارگیری سلاح در تبیین موارد مجاز تیراندازی

**Saman Ojaghloo Shahabi**

PhD Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author)

**سامان اوچاقلو شهابی**

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

samanshahabiogl@yahoo.com  
<http://orcid.org/0000-0002-7023-9944>

**Javad Naderi ooj Boghzi**

Student outside Qom seminary, PhD student in Criminal Law and Criminology, University of Tehran, Aras International Campus, Aras, Iran

**جواد نادری عوج بغزی**

طلبه دروس خارج حوزه علمیه قم، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، پردیس بین‌المللی ارس، ارس، ایران

njavad71@gmail.com  
<http://orcid.org/0000-0002-7440-8012>

**Sayed Reza Tabatabay Far**

PhD student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Semnan Branch, Semnan, Iran

**سید رضا طباطبائی فر**

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران  
sr.tif@gmail.com  
<http://orcid.org/0000-0001-8164-2563>

### Abstract



One of the measures taken by law enforcement forces against threats, insecurities and the establishment of order and security in society is the timely and effective use of weapons. The law on the use of weapons to protect the lives of citizens and also to systematize the behavior of officers in the use of weapons, was approved by the Islamic Consultative Assembly on 1995. The legislature's haste in passing the law, despite legal loopholes and the failure to assign some of the permitted uses of weapons, has led to violations of citizens' rights and confusion of officials in important missions. The more comprehensive the law on the use of weapons, covering the various dimensions of the officers' assigned missions, and the fact that they are assigned with full transparency about the permitted shooting instances, the officers will act with the same awareness and determination in their assigned missions. This, on the one hand, leads to better observance of civil rights at the community level, and on the other hand, leads to the release of officers from the maze of law and criminal and disciplinary convictions after the shooting. In fact, the main questions of this research are as follows; What are the gaps and ambiguities of the law on the use of weapons by the armed forces in urgent cases? And in cases of silence and ambiguity of the law, what is the duty of the armed officers? In this research, by answering judicial opinions and library resources by descriptive-analytical method, the answers to the questions have been explained.

**Keywords:** Pathology, Use of Weapons, Legal Vacuum, Law Enforcement Officers, Ambiguity and Silence of Law.

### چکیده

یکی از تدابیر نیروهای انتظامی در مقابله با تهدیدها، ناامنی‌ها و برقراری نظم و امنیت در جامعه، استفاده به‌هنگام و مؤثر از سلاح است. قانون به‌کارگیری سلاح جهت صیانت از جان شهروندان و همچنین نظام‌مند نمودن رفتار مأموران در استفاده از سلاح، در تاریخ ۱۳۷۳/۱۰/۱۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. شتاب‌زدگی مقنن در تصویب قانون مذکور با وجود خلأهای قانونی و عدم تعیین تکلیف باره‌ای از موارد مجاز استفاده از سلاح، زمینه‌ساز تعرض به حقوق شهروندان و سردرگمی مأموران در مأموریت‌های مهم محوله شده است. به هر نسبت که قانون به‌کارگیری سلاح، جامعیت داشته و ابعاد مختلف مأموریت‌های محوله مأموران را پوشش دهد و با شفافیت کامل در مورد مصادیق مجاز تیراندازی توسط ایشان تعیین تکلیف نماید به همان میزان مأموران در مأموریت‌های محوله خود با آگاهی و قاطعیت عمل خواهند نمود که این امر از یک سو منجر به رعایت هر چه بهتر حقوق شهروندی در سطح جامعه و از سوی دیگر منجر به رهایی مأموران از پیچ و خم‌های قانون و محکومیت‌های کیفری و انضباطی بعد از تیراندازی می‌شود. در واقع، سؤالات اصلی این پژوهش بدین صورت است؛ خلأها و ابهام‌های قانون به‌کارگیری سلاح در موارد ضروری توسط مأموران مسلح کدام است؟ و در موارد سکوت و ابهام قانون مزبور تکلیف مأموران مسلح چیست؟ در این پژوهش با مطالعه آراء قضایی و منابع کتابخانه‌ای با روش توصیفی-تحلیلی، پاسخ سؤالات مطروحه تبیین شده است.

**واژگان کلیدی:** آسیب‌شناسی، به‌کارگیری سلاح، خلأ قانونی، مأموران انتظامی، ابهام و سکوت قانون.

<p>ارجاع:                  اوجاقلو شهابی، سامان؛ نادری عوج بغزی، جواد؛ طباطبائی فر، سید رضا؛ (۱۴۰۱)، آسیب‌شناسی قانون به کارگیری سلاح در تبیین موارد مجاز تیراندازی، تمدن حقوقی، شماره ۱۱.</p>
<p>Copyrights:                  Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<a href="http://creativecommons.org/licenses/by/4.0">http://creativecommons.org/licenses/by/4.0</a>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.</p>
 <p>CC BY-NC-SA</p>


## مقدمه

استمرار حیات و قوام هر جامعه‌ای به میزان «امنیت پایدار» حاکم بر آن جامعه بستگی دارد؛ در هیچ جامعه‌ای عنصر امنیت به خودی‌خود حاصل نمی‌شود بلکه برقراری آن، مستلزم داشتن «نیروهای مسلح مقتدر» است. «قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری» جهت صیانت از جان افراد و شهروندان، اصل را بر عدم به کارگیری سلاح قرار داده و مواردی که مأموران مجاز به تیراندازی به سوی افراد هستند به طور حصری و استثنائی قید کرده و از تیراندازی مأموران صرفاً در چهارچوب‌های تعیین شده، حمایت کرده است.

با این حال؛ گاهی مأموران در مأموریت‌های محوله با وضعیت‌هایی مواجه می‌شوند که قانون در مورد آن‌ها تعیین تکلیف نکرده است، در این گونه موارد مأموران میان دو راهی قرار می‌گیرند: در حالت نخست مأموران باید به خاطر خلأهای موجود در قانون و بلا تکلیفی ناشی از این خلأها و پرهیز از عواقب قضایی بعد از تیراندازی، دست به سلاح نشده و از انجام وظیفه، منصرف می‌شوند که به عنوان نمونه می‌توان به حادثه معروف قتل در میدان کاج تهران در سال ۱۳۸۹ اشاره داشت که با وجود حضور مأمور نیروی انتظامی در صحنه، هیچ عکس‌العملی از سوی وی برای حفظ جان شهروند و مقابله با قاتل صورت نگرفت که نتیجه این بی‌عملی، به خطر افتادن امنیت فردی و عمومی خواهد بود. در حالت دوم مأموران در صورت مواجهه با اموری که قانون به کارگیری سلاح در مورد آن ساکت است بر اساس تشخیص خود اقدام نموده و برای مقابله با متهمان و مجرمان به تیراندازی متوسل شوند که این امر هم موجب تعرض به جسم و جان شهروندان

و ایجاد پرونده‌های متعدد در محاکم قضایی علیه مأموران فداکار و پاسداران امنیت خواهد شد. آمار بالای تیراندازی‌های منجر به جرح یا قتل ارتكابی توسط نیروهای مسلح در خارج از چهارچوب قانون و اینکه هرگونه خطا و قصور در مقررات به کارگیری سلاح، عواقب غیرقابل جبرانی در پی خواهد داشت، اهمیت و ضرورت این پژوهش را بیشتر توجیه می‌کند. در این پژوهش برآن هستیم تا با احصاء دقیق و شفاف موقعیت‌هایی که بر اساس قانون، مأموران حق تیراندازی به سوی اشخاص را دارند و همچنین شناسایی خلأهای قانون که در عمل منجر به بروز مشکلاتی اساسی برای مأموران و شهروندان شده است و پاسخ‌گویی به موارد سکوت قانون براساس اصول حقوقی و رویه قضایی حاکم در محاکم (اعم از عمومی یا نظامی) به روشن شدن تکلیف مأموران در به کارگیری سلاح در شرایط و موقعیت‌های زمانی و مکانی مختلف کمک کنیم.

### ۱- موارد قانونی استفاده از سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح

اصل بر عدم جواز به کارگیری سلاح توسط مأموران بوده و مجوز تیراندازی امری استثنائی و نیازمند تصریح قانون است، بنابراین مأموران فقط در موارد احصاء شده و در چهارچوب ضوابط و مقررات، مجاز به تیراندازی به سوی هر هدفی هستند. طبق قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری، مأموران صرفاً در سه حالت حق تیراندازی به سوی اشخاص را دارند:

#### ۱-۱- تیراندازی به سوی اشخاص پیاده

ماده ۳ ق. ب. س<sup>۱</sup>؛ موارد مجاز تیراندازی به سوی اشخاص پیاده را احصاء نموده است: تیراندازی برای دفاع از جان خود و جان سایر شهروندان. تیراندازی برای دستگیری مرتکبین جرایم مشهود سرقت، راهزنی، ترور، تخریب، انفجار و بازداشتی و زندانی در حال فرار. تیراندازی برای حفاظت از اماکن نظامی، اماکن طبقه بندی شده، تأسیسات و تجهیزات و اماکن نظامی و امنیتی و سلاح. تیراندازی برای جلوگیری از تردد اشخاص در مرزهای غیرمجاز.

#### ۱-۱-۱- تیراندازی به منظور دفاع

در بندهای ۲، ۱ و ۳ ماده ۳ ق. ب. س؛ حکم دفاع مسلحانه مأموران بیان شده است؛ مأموران با استناد به

۱- قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳

بندهای مذکور در سه حالت می‌توانند در مقام دفاع برآمده و دست به سلاح شوند:

الف- دفاع از خود در برابر کسی که با سلاح سرد و گرم به آنان حمله نماید.

این مورد به طور مطلق و بدون قید و شرط، در بند اول ماده ۳ ق.ب.س، از موارد به کارگیری سلاح دانسته شده است؛ اما در بند دوم همین ماده، دفاع مأمور از خود در برابر یک یا چند نفر که بدون سلاح به وی حمله می‌آورند، منوط به رعایت قید «ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون به کارگیری سلاح مدافعه شخصی امکان نداشته باشد» شده است. شرط یاد شده این شبهه را به ذهن متبادر می‌سازد که آیا در صورتی که شخص مهاجم طبق بند اول، یک نفر بوده و با سلاح سرد و یا گرم به مأمور حمله‌ور شود، مأمور مکلف به رعایت شرط فوق است و باید ابتدا سعی نماید بدون به کارگیری سلاح با وی مدافعه نماید و در صورتی که اقدامات صورت گرفته مؤثر واقع نشود، اقدام به تیراندازی نماید یا همین که چنین شخصی به وی حمله نمود، همان ابتدا حق تیراندازی به وی را دارد؟

در پاسخ، باید بیان داشت که با توجه به فلسفه وضع این قانون و اصل عدم به کارگیری سلاح مگر در موارد ناچاری و ضرورت، درست است که مقنن در بند فوق، قید «ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون به کارگیری سلاح مدافعه شخصی امکان نداشته باشد» را اضافه نکرده است ولی رعایت ترتیبات دفاع در این بند نیز ضروری است و صرف حمله یک شخص مسلح به سوی مأمور مجوزی برای تیراندازی ابتدایی نمی‌باشد. چه بسا احتمال دارد شخصی مُسن و کم‌توان با یک چاقوی ضامن‌دار به سوی مأمور حمله‌ور شود ولی مأمور با گرفتن دست او به راحتی خطر را خنثی سازد. قانونگذار در این بند بیان نداشته که آیا «برابری در سلاح» شرط است یا خیر؟ یعنی آیا برای تحقق شرایط دفاع مشروع، سلاح مهاجم باید همانند و هم‌ردیف سلاح مأمور باشد یا لزومی ندارد؟ در پاسخ باید بیان داشت که در تحقق شرایط دفاع مشروع طبق بند فوق، برابری در سلاح شرط نیست، چه بسا شخص مهاجم با یک کارد آشپزخانه معمولی، خطرناک‌تر و حرفه‌ای‌تر از یک شخص مجهز به سلاح گرم اقدام نماید.

ب- دفاع از خود در برابر یک یا چند نفر که بدون سلاح حمله می‌آورند ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون به کارگیری سلاح مدافعه شخصی امکان نداشته باشد.

این بند دربردارنده دو حالت است: دفاع مأمور از جان خود در برابر حمله یک نفر مهاجم بدون سلاح و دفاع مأمور از جان خود در برابر حمله چند نفر مهاجم بدون سلاح. یکی از مشکلات اصلی این بند از قانون، عدم تبیین دقیق معنای واژه «اوضاع و احوال» برای مأموران در حین مأموریت می‌باشد، «اوضاع» جمع «وضع»

و احوال جمع «حال» است که چگونگی، کیفیت، شکل و طریقه انجام اعمال مجرمانه را شرح می‌دهد. در مواردی که مأمور به خاطر حمله چند نفر مهاجم غیر مسلح به وی، اقدام به تیراندازی می‌نماید اوضاع و احوال مقرر در این بند، اصولاً در محاکم قضایی به نفع وی تعبیر می‌شود، زیرا عدم تساوی در دفاع یک نفر مأمور با چند نفر مهاجم منطقی می‌باشد و مسلماً مأمور بدون به کارگیری سلاح، مغلوب خواهد شد، مگر در موارد خاص ولی زمانی که مأمور به خاطر حمله یک نفر مهاجم غیر مسلح به وی، اقدام به تیراندازی می‌کند، رویه کاملاً متفاوت بوده و اوضاع و احوال مقرر در این بند، اصولاً به ضرر مأمور می‌گردد، زیرا با دلایلی از قبیل اینکه مأمور با توجه به آموزش‌ها و تمرین‌های جسمانی و... همواره در سطح بالاتری از آمادگی بدنی نسبت به سایر اشخاص قرار دارد، علیه مأمور در محکمه استدلال می‌شود.

پ- در صورتی که مأموران مشاهده کنند که یک یا چند نفر مورد حمله واقع شده و جان آنان در خطر است.

با توجه به تبصره یک<sup>۲</sup> ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این پرسش مطرح می‌شود که آیا برای دفاع مأموران از جان شهروندان طبق بند ۳ ماده ۳ ق. ب. س، رعایت شرایط مقرر در تبصره فوق، لازم و دفاع مأمور نیازمند درخواست کمک از سوی شخص یا ناتوانی و... است؟ در پاسخ این پرسش به نظر می‌رسد قانون به کارگیری سلاح نسبت به قانون مجازات اسلامی مقررهای خاص می‌باشد و قانونگذار در تبصره یاد شده، به دفاع اشخاص عادی و نه مأموران اشاره دارد، بنابراین مأموران در مقام دفاع از جان شهروندان تابع شرایط مقرر در این تبصره نبوده و جهت مداخله، درخواست کمک و یا رعایت سایر موارد مندرج در تبصره یاد شده ضرورتی ندارد.

با توجه به عبارت «مشاهده کنند...» پرسش دیگر، درباره بند مذکور این است که آیا مأموری که در حین گشت‌زنی در کوچه‌ای با صدای آه، ناله، شکنجه و تهدید به مرگ شخصی مواجه می‌شود، به این دلیل که این واقعه را مشاهده نکرده است (شنیده است) نباید برای دفاع از بزه‌دیده وارد عمل شود؟ به نظر می‌رسد در این جا قانونگذار به معنای لغوی «مشاهده» عنایت نداشته و برای مداخله مأمور و در صورت ضرورت، تیراندازی جهت دفاع از شخص در معرض خطر، مهم آن است که مأموران با حواس خود مستقیماً در جریان حمله و خطر مذکور واقع شوند. توجه به یک نکته در این بند ضروری است و آن این

۲- دفاع از نفس... دیگری در صورتی جایز است که او از نزدیکان دفاع‌کننده بوده و یا مسئولیت دفاع از وی برعهده دفاع‌کننده باشد و یا ناتوان از دفاع بوده یا تقاضای کمک نماید یا در وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد.

که با استناد به عبارت «جان آنان در خطر است» صرف اینکۀ مأموری مشاهده نماید که یک یا چند نفر مورد حمله واقع شده، مجوزی برای تیراندازی جهت دفاع از آنان نیست بلکه با تشخیص مأمور، باید این حمله به شکلی باشد که جان آنان را در معرض خطر جدی قرار دهد وگرنه صرف یک مشاجره یا درگیری و حمله شخصی به شهروندان دلیلی بر تیراندازی نیست.

## ۲-۱-۱- تیراندازی به سوی متهمان و مجرمان

به موجب بندهای ۵ و ۴ ماده ۳ ق. ب. س، مأموران به منظور دستگیری مرتکبان جرایم پنج‌گانه مندرج در ماده ۴ و متواریان از بازداشتگاه یا زندان و یا در حال انتقال به مراجع ذی‌ربط، مجاز به تیراندازی به سوی متهمان و مجرمان موضوع بندهای مذکور می‌باشند.

در بند ۴، پرسش این است که آیا منظور قانونگذار از مرتکبان جرایم سرقت، قطع الطریق، تخریب، جنایت علیه تمامیت جسمانی و انفجار با اهداف سیاسی بلافاصله پس از ارتکاب این رفتارها و در حال فرار است که به استناد ماده ۴۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مشمول عنوان جرم مشهود است یا خیر شامل کسانی نیز می‌شود که قبلاً مرتکب این رفتارها شده و فراری بوده‌اند و در مواجهه با مأموران قصد فرار داشته‌اند؟ به نظر می‌رسد این بند هر دو فرض را در بر می‌گیرد؛ از آن رو که اگر این افراد قبلاً شناسایی نشده و تحت تعقیب نبوده باشند، مثلاً در فرض ترور، راهی برای تشخیص این که رفتار ارتكابی آن‌ها ترور بوده یا یک قتل با انگیزه شخصی، وجود ندارد. دقیقاً به همین دلیل ایراد مهم دیگری بر ماده وارد می‌شود و آن در فرض جرم مشهود، نبود ملاک روشنی برای تشخیص انگیزه مرتکب در حال فرار از اقدام به جنایت است و در این موارد نیز مأمور در تیراندازی یا عدم آن بین دو محذور اقدام به تیراندازی یا عدم اقدام، گرفتار می‌شود و نتیجه این گرفتاری تهدیدی است که متوجه امنیت عمومی یا فردی شهروندان یا خود مأموران می‌باشد. با توجه به نبود تعریفی روشن از ترور در قوانین کیفری ما، این مشکل دو چندان می‌شود.

### ۱-۲-۱- تیراندازی به سوی متهمان و مجرمان در حال فرار

حسب بند ۴ ماده ۳ ق. ب. س، مأموران مسلح می‌توانند برای دستگیری سارق و قاطع الطریق و کسی که اقدام به ترور یا تخریب و یا انفجار نموده و در حال فرار باشد، تیراندازی نمایند.  
در این باره ذکر چند نکته ضروری است:

الف- موضوعی که در پرونده‌های قضایی تشکیل شده بسیار شایع هست، تیراندازی مأموران به افراد متواری که مرتکب شروع به سرقت شده‌اند یا حتی در مراحل مقدماتی شروع به سرقت هستند، می‌باشد، مقنن در بند فوق صرفاً بیان داشته که: «مأموران برای دستگیری سارق حق تیراندازی دارند» و معلوم نیست که آیا این عبارت مجوزی برای تیراندازی به سوی اشخاصی که مرتکب شروع به سرقت نیز شده‌اند، می‌شود یا خیر؟ در پاسخ به خلأ قانونی فوق می‌توان گفت، با توجه به تفسیر مضمیق قوانین جزایی و استثناء بودن به کارگیری سلاح، شروع به سرقت مجوزی برای به کارگیری سلاح نیست و مشمول بند ۴ ماده ۳ ق.ب.س نمی‌شود، زیرا این بند ناظر بر سارقینی است که سرقت تام را مرتکب شده و در حال فرار باشند.

ب- آیا منظور مقنن از «جرم تخریب» در بند مورد بررسی اعم از تخریب اموال دولتی و عمومی و خصوصی هست یا صرفاً شامل تخریب اموال دولتی و عمومی می‌شود؟ در این بند جرم تخریب، اموال شخص خصوصی را دربر نمی‌گیرد، چون تخریب اموال شخصی از جرایم قابل گذشت بوده و رسیدگی به آن مستلزم شکایت شاکی خصوصی می‌باشد و تا زمانی که شاکی خصوصی شکایتی مطرح ننموده، قابل تعقیب نیست. بنابراین منظور از «تخریب» در این بند، موضوع ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (تخریب عمارت، بنا، کشتی، هواپیما، کارخانه و...) <sup>۳</sup> و ماده ۶۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (قطع درختان موضوع قانون گسترش فضای سبز) <sup>۴</sup> و ماده ۶۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (تخریب و ایجاد حریق در وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی از قبیل شبکه‌های آب و فاضلاب، برق و...) <sup>۵</sup> می‌باشد.

۳- هر کس عمداً عمارت یا بنا یا کشتی یا هواپیما یا کارخانه یا انبار و به طور کلی هر محل مسکونی یا معد برای سکنی یا جنگل یا خرمن یا هر نوع محصول زراعی یا اشجار یا مزارع یا باغ‌های متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود.

۴- هر کس درختان موضوع ماده یک قانون گسترش فضای سبز را عالماً عامداً و برخلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آنها را فراهم آورد علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا هیجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

۵- هر کس در وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی از قبیل شبکه‌های آب و فاضلاب، برق، نفت، گاز، پست و تلگراف و تلفن و مراکز فرکانس و ماکروویو (مخابرات) و رادیو و تلویزیون و متعلقات مربوط به آنها اعم از سد و کانال و انشعاب لوله‌کشی و نیروگاه‌های برق و خطوط انتقال نیرو و مخابرات (کابل‌های هوایی یا زمینی یا نوری) و دستگاه‌های تولید و توزیع و انتقال آنها که به هزینه یا سرمایه دولت یا با سرمایه مشترک دولت و بخش غیردولتی یا توسط بخش خصوصی برای استفاده عمومی ایجاد شده و همچنین در علائم راهنمایی و رانندگی و سایر علائمی که به

پ- مشکل دیگر در مورد این بند عدم جرم‌انگاری مطلق «انفجار» در قوانین کیفری ماست؛ توضیح این که در مواد ۶۷۶<sup>۶</sup> و ۶۷۷<sup>۷</sup> قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، صرفاً تخریب از طریق انفجار جرم‌انگاری و موجب تشدید کیفر دانسته شده و برای انفجار بدون تخریب، کیفری تعیین نشده است. حال چگونه است که قانونگذار ما برای دستگیری مرتکب رفتاری که جرم نیست، به کارگیری سلاح را تجویز کرده است؟ به نظر می‌رسد برای حل مشکل، باید انفجار مذکور در بند ۴ ماده ۳ ق. ب. س، را منصرف و محدود به موارد تخریب از طریق انفجار بدانیم و به سایر موارد تسری ندهیم. آیا منظور قانونگذار از واژه «انفجار» در این بند، منفجر کردن هر چیزی اعم از اماکن و وسایل عمومی و دولتی و خصوصی می‌باشد؟ به عبارت دیگر آیا مأمور با مشاهده منفجر کردن خودوری یک شهروند در کنار خیابان توسط یک فرد و متواری شدن، می‌تواند جهت متوقف کردن وی به تیراندازی متوسل شود؟ پاسخ منفی هست. زیرا با دقت در معانی ترور و تخریب و تلفیق آن با انفجار و با استمداد از روح قانون و شکل و سیاق تصویب آن، جرایم مذکور در مقام امنیت داخلی و خارجی بوده و به نظر می‌رسد قانونگذار هر انفجاری را مدنظر نداشته و مقصود مقنن از واژه «انفجار» صرفاً انفجار اموال و اماکن عمومی و دولتی می‌باشد.

ت- حکم بند ۴ ماده ۳ ق. ب. س، فقط در مورد جرایم مشهود از جرم‌های پنج‌گانه مزبور است یا خیر؟ فرضاً اگر فردی مدت‌ها قبل، مرتکب جرم سرقت شده و مأموران با در دست داشتن حکم جلب وی، او را مشاهده کنند و متهم با رویت مأموران مبادرت به فرار نماید، آیا مأموران مجاز به تیراندازی برای دستگیری وی هستند یا خیر؟ حکم بند ۴ ماده ۳ ق. ب. س، با توجه به تبصره‌های ۱ و ۲ ذیل ماده و اینکه به دستگیری به طور مطلق دلالت دارد، هر دو حالت «مشهود و غیرمشهود» را دربرمی‌گیرد. در مواردی که مأموران به موجب حکم جلب صادره از مقام قضایی در مقام دستگیری اشخاص مذکور در

منظور حفظ جان اشخاص یا تأمین تأسیسات فوق یا شوارع و جاده‌ها نصب شده است، مرتکب تخریب یا ایجاد حریق یا از کار انداختن یا هر نوع خرابکاری دیگر شود بدون آن که منظور او اخلال در نظم و امنیت عمومی باشد به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.

۶- هرکس سایر اشیاء منقول متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از سه ماه تا یک سال و شش ماه محکوم خواهد شد.

۷- هرکس عمدتاً اشیاء منقول یا غیرمنقول متعلق به دیگری را تخریب نماید یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد به حبس از سه ماه تا یک سال و شش ماه [و] در صورتی که میزان خسارت وارده یکصد میلیون ریال یا کمتر باشد به جزای نقدی تا دو برابر معادل خسارت وارده محکوم خواهد شد.



بند ۴، بعد از وقوع جرم با فرار متهم مواجه می‌شوند می‌توانند از سلاح خود استفاده نموده و از حمایت‌های قانون به کارگیری سلاح برخوردار خواهند بود (سازمان قضایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۷، ۲۰۸). بنابراین واژه «دستگیری» به دستگیری بدون دستور بازپرس و مقام قضایی اطلاق دارد که در خصوص جرایم مشهود است و همین‌طور دستگیری با دستور قاضی که در جرایم غیرمشهود ممکن است و جلب نامیده می‌شود (شاکری و بابایی شاهاندرستی، ۱۳۹۵، ۱۷).

ث- استفاده قانونگذار از عبارت «ترور» مبهم و ناکارآمد است. معلوم نیست که آیا منظور از ترور در این جا، اقدام به قتل افراد است یا آن که معنای اصطلاحی ترور که انجام برخی جرایم به قصد ایجاد وحشت و سلب آرامش است، را در نظر گرفته است؟ در صورتی که منظور قانونگذار از ترور قتل باشد، معلوم نیست چرا از واژه «قتل» که عنوان قانونی و شناخته شده می‌باشد، استفاده نکرده است و اگر منظور از ترور، معنای اصطلاحی و رایج آن در حقوق کیفری بین‌المللی است، این مشکل پیش می‌آید که احراز قصد مرتکب دایر بر ایجاد رعب و وحشت که امری درونی و نیازمند بررسی فنی و قضایی و شرط لازمه تحقق ترور در این معنا است، چگونه به مأمور انتظامی سپرده شود؟ قانونگذار در این موارد باید با استفاده از عبارات مأنوس، انتظار رعایت قانون را داشته باشد و در این مورد نیز به منظور جلوگیری از هرگونه اختلاف باید مقصود خود از ترور را به صورت روشن و عاری از ابهام بیان دارد (محمدخانی و صوفی، ۱۳۹۱، ۲۶).

طبق بند ۴ ماده ۳ ق. ب. س، مأمور فقط می‌تواند به سمت سارق و قاطع‌الطریق و کسی که اقدام به ترور یا تخریب و یا انفجار کرده و در حال فرار است، تیراندازی کند. پرسش این است که آیا تیراندازی به متهمان جرایم دیگری مثل قتل، موادمخدر، منافی‌عفت و نگه‌دارندگان مشروبات‌الکلی و یا کسانی که قرص‌های روان‌گردان توزیع می‌کنند و جرایمی از این قبیل، وجه قانونی دارد یا خیر؟ تکلیف چیست؟ در این جا فقدان منطقی روشن در انتخاب جرمی مانند تخریب برای تجویز تیراندازی به سوی مرتکب در حال فرار آن و عدم تجویز آن به سوی مرتکبان جرایم مهمی مانند احراق یا محاربه موضوع ماده ۲۷۹<sup>۸</sup> قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قاچاق موضوع ماده ۲۸۱<sup>۹</sup> قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و پخش مواد سمی موضوع

۸- محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی‌شود.

۹- راهزنان، سارقان و قاچاقچییانی که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند محاربند.

ماده ۱۰۶۶۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (تهدید علیه بهداشت عمومی از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه‌ها و...) آشکار است. باید گفت که در عمل، اصل بر عدم به‌کارگیری سلاح توسط مأموران بوده و موارد ضروری به صورت استثنائی در قانون مزبور احصاء شده است. بنابراین در اجرای بند ۴ ماده ۳ ق. ب. س، مأموران با رعایت سایر شرایط و مقررات قانونی صرفاً در رابطه با جرایم احصاء شده در آن بند مجاز به به‌کارگیری سلاح می‌باشند.

## ۲-۱-۲- تیراندازی به سوی متواریان از زندان و بازداشتگاه و متهمان بازداشتی یا زندانی در حال انتقال

متهمان بازداشتی و محکومان زندانی در حال انتقال به مراجع ذیصلاح، کسانی هستند که بیشترین انگیزه را برای فرار از دست مجریان قانون و عدالت دارند. گروهی از این اشخاص به دلیل ارتکاب جرایم مهم مستوجب اعدام یا کیفرهای سنگین دیگر، انگیزه بیشتری برای یافتن فرصتی برای فرار دارند. مأموران در صورتی می‌توانند به سوی متواریان از بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها و یا در حال انتقال به منظور جلوگیری از فرار تیراندازی نمایند که از اقدامات دیگری برای دستگیری وی قبل از تیراندازی استفاده کرده باشد و آن اقدامات ثمری نبخشیده باشد.

حال پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا مأموران می‌توانند به سوی افراد متواری از تحت‌نظرگاه (به منظور جلوگیری از فرار آنان) تیراندازی نمایند؟ به بیان دیگر افرادی که به صورت موقتی در «تحت‌نظرگاه» مانند تحت‌نظرگاه‌های کلانتری‌ها، نگهداری می‌شوند، چنانچه از محل مزبور فرار نماید، حکم قضیه چیست؟ آیا احکام قانونی فرار از بازداشتگاه و زندان بر این مورد نیز حاکم است و در صورت فرار شخص تحت‌نظر، مأموران می‌توانند جهت دستگیری وی اقدام به تیراندازی نمایند؟ واژه «تحت‌نظر قرار دادن» از دیربام به عنوان یک واژه متداول و معروف در عرف دادرسی کیفری به کار می‌رفت ولی قانونگذار در سال ۱۳۹۲ در قانون آئین دادرسی کیفری مواد ۴۶ الی ۵۳ را به احکام دوران تحت‌نظری اختصاص داد. در پاسخ به پرسش یاد شده گفته شده است که گرچه تحت‌نظر نیز همچون بازداشت موقت به سلب آزادی از متهمان می‌انجامد، اما به معنای بازداشت آن‌ها در بازداشتگاه نیست، بلکه منظور قانونگذار از

۱۰- هرکس با جبر و قهر یا با اکراه و تهدید دیگری را ملزم به دادن نوشته یا سند یا امضاء و یا مهر نماید و یا سند و نوشته‌ای که متعلق به او یا سپرده به او می‌باشد را از و بگیرد به حبس از چهل و پنج روز تا یک سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

«تحت نظر»<sup>۱۱</sup> صرفاً نگهداری متهم در مقر نیروهای انتظامی یا دفاتر کلانتری‌ها یا قرارگاه‌های پلیس برای تحقیق و تکمیل تحقیقات است.<sup>۱۲</sup> آئین‌نامه اجرایی موضوع تبصره بند ۵ ماده ۳ ق. ب. س، نیز فقط به دو مفهوم بازداشتگاه و زندان تصریح نموده است و نامی از تحت نظرگاه در آئین‌نامه مذکور به میان نیامده است. بنابراین شاید بتوان تصور کرد که با توجه به صراحت قانون به کارگیری سلاح، مأموران فقط حق تیراندازی جهت توقف متهمان فراری از بازداشتگاه یا زندان و یا در حال انتقال به مراجع قانونی، فرار می‌کنند را دارند، لذا حق تیراندازی به متهمانی که تحت نظر قرار گرفته و اقدام به فرار می‌کنند را ندارند.

با این حال این تصور از دقت چندانی برخوردار نیست؛ زیرا پیش از خلق اصطلاح تحت نظرگاه، در زمان تصویب ق. ب. س، در ادبیات مراجع قضایی و مأموران انتظامی، واژه بازداشت تحت نظر شایع بود و نگهداری متهم به صورت تحت نظر نیز نوعی بازداشت محسوب می‌شد. ضمن این که بازداشتگاه‌های ضابطان مکانی جدا از تحت نظرگاه نیستند. از این رو با توجه به این که ممکن است اتهام شخص تحت نظر، جرم سنگینی باشد و فرار وی تبعات منفی زیادی بر امنیت داشته باشد و جز از طریق تیراندازی نتوان وی را متوقف نمود، رویه قضایی به دست آمده از بررسی برخی آراء و احکام صادره از محاکم، شخص تحت نظر و نگهداری شده در کلانتری را نیز مشمول بند ۵ ماده ۳ ق. ب. س، می‌داند.

به نظر می‌رسد جهت تعیین تکلیف این مورد باید قائل به تفکیک باشیم:

متهمانی که برابر مقررات قانونی، دستگیر و نگهداری آن‌ها در کلانتری جهت فراهم نمودن مقدمات اعزام آن‌ها به بازداشتگاه یا سایر مراجع قانونی ضروری باشد، فرار از محل مزبور می‌تواند از مصادیق بند ۵ ماده ۳ ق. ب. س، تلقی شود. بنابراین متهمی که برابر برگ جلب، توسط ضابطان دادگستری دستگیر شده است، چه اینکه در بین مسیر انتقال و چه اینکه از کلانتری در زمان تهیه مقدمات انتقال، اقدام به فرار نماید، مأمور با رعایت سایر شرایط، مجاز به تیراندازی می‌باشد. اما در مورد افرادی که هنوز اقدام قضایی، جهت حاضر نمودن وی نزد مرجع صالح صورت نگرفته و دادستان در این خصوص دستوری نداده است، چنانچه افراد مزبور قبل از اعزام یا حین اعزام، اقدام به فرار نماید، تیراندازی مأموران جهت دستگیری وی موجه و قانونی نمی‌باشد.

۱۱- به دوران تحت نظر، بازداشت پلیسی نیز گفته می‌شود.

۱۲- کمیسیون مشورتی اداره حقوقی دادگستری در نظریه مورخ ۱۳۴۶/۰۴/۱۱ اعلام نموده: «منظور از تحت نظر قرار گرفتن، بازداشت نیست. تحت نظر بودن با حبس و بازداشت از جهت کیفیت اختلاف دارد».

مطابق بند «د» ماده ۳ ق. ب. س، اگر متهم یا محکومی به دلیل ارتکاب هر جرمی (ولو سبک مانند فرار از خدمت سربازی) از بازداشتگاه و یا در حین انتقال به مراکز ذی‌ربط فرار کند و از اقدامات دیگری برای دستگیری و یا توقف وی استفاده کرده و ثمری نبخشیده باشد، مأموران مجاز به تیراندازی به سوی آنان می‌باشند؟ آیا این موضوع با عدالت قضایی سازگار است یا وضع چنین قوانینی مطابق با شرع مقدس اسلام و عدل است یا تناسب بین جرم و مجازات در این جا رعایت شده است؟ بر اساس نظریه مشورتی شماره ۷/۳۴/۴۰۶۰۰ مورخ ۱۳۹۱/۰۸/۲۴، کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، در اجرای بند «۵» ماده (۳) قانون به کارگیری سلاح، مأموران در موردی که شخص بازداشت شده یا زندانی از بازداشتگاه یا زندان و یا در حال انتقال فرار کند و از اقدامات دیگر برای دستگیری یا توقیف وی استفاده کرده و ثمری نبخشیده باشد و چاره‌ای جز به کارگیری سلاح نداشته باشد، صرف‌نظر از نوع اتهام، با رعایت سایر شرایط و مقررات قانونی، مجاز به به کارگیری سلاح می‌باشند. ضمناً، اعلام عدم مغایرت قوانین با احکام اسلامی در اجرای اصل نودوششم قانون اساسی<sup>۱۳</sup> به عهده شورای نگهبان است<sup>۱۴</sup>. این دیدگاه از نظر قضایی موجه است ولی از نظر دکترین قطعاً محافظه کارانه و به دلیل تعارض با عدالت کیفری و قاعده احتیاط در دماء، قابل انتقاد و نیازمند اصلاح است.

### ۳-۱-۱- تیراندازی برای حفاظت و نگهداری

برابر بندهای ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰ ماده ۳ ق. ب. س، مأموران برای حفاظت و نگهداری، حق استفاده از سلاح را دارند:

#### ۱-۳-۱- تیراندازی برای حفظ اماکن انتظامی<sup>۱۵</sup>

اماکن انتظامی که محل استقرار نیروهای انتظامی و سلاح و مهمات می‌باشد، باید از سوی این نیروها در قبال هرگونه تعرض، حفظ شود، زیرا سقوط یک مرکز انتظامی خطرهای بسیار جدی برای امنیت مردم دارد. به همین دلیل قانون با استعمال واژه «از قبیل» نظر بر تجویز به کارگیری سلاح برای حفاظت از تمامی اماکن نیروی انتظامی داشته است.

۱۳- تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آن‌ها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است.

۱۴- رجوع شود به نظریه مشورتی شماره ۷/۳۴/۴۰۶۰۰ مورخ ۱۳۹۱/۰۸/۲۴، قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح

۱۵- مقر نیروهای انتظامی از قبیل فرماندهی، ستاد، پاسگاه، پایگاه، انبار سلاح یا مهمات و مراکز آموزشی

۲-۳-۱- تیراندازی برای حفظ اماکن طبقه‌بندی شده به ویژه اماکن حیاتی و حساس در مقابل هرگونه هجوم و حمله جهت ترور، تخریب، آتش‌سوزی، غارت اسناد و اموال، گروگانگیری و اشغال در خصوص اماکن انتظامی توضیحاتی داده شد و عنوان گردید که با توجه به واژه «از قبیل» که تمثیلی است تمام اماکن انتظامی، مشمول ماده هستند ولی به نظر می‌رسد این بند قانون، مربوط به اماکن امنیتی، نظامی و غیرنظامی می‌باشد که از حساسیت زیادی برخوردار هستند و ارتباط با امنیت ملی و منطقه‌ای و یا بخشی از یک منطقه دارند. مثل سازمان انرژی اتمی، پالایشگاه‌ها، فرودگاه‌ها (اعم از بین‌المللی و داخلی)، نیروگاه‌های اتمی، پادگان‌های ارتش و سپاه و ستادکل نیروهای مسلح و کارخانه‌های تسلیحات و مهمات و مجموعه‌های وزارت دفاع و وزارت اطلاعات، مرکز اسناد ملی و... اماکن طبقه‌بندی شده با ماهیت بند فوق، به چهار دسته تقسیم می‌شوند: اماکن حیاتی<sup>۱۶</sup>، اماکن حساس<sup>۱۷</sup>، اماکن مهم<sup>۱۸</sup>، اماکن قابل حفاظت<sup>۱۹</sup>.

یکی از مشکلات اساسی نیروهای مسلح در مورد این بند از قانون مذکور، تشخیص اماکن طبقه‌بندی شده، حساس، مهم و... می‌باشد؟ به عنوان نمونه آیا تأسیسات آب، برق، مخبرات، نفت، گاز و... (مصرح در ماده ۶۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵)، اماکن امنیتی محسوب می‌شوند و تیراندازی مأمور نگهبان به سوی تخریب کنندگان این اماکن قانونی است یا خیر؟ اگرچه به قصد اخلال در امنیت عمومی نباشد؟ سازمان قضایی نیروهای مسلح در نظریه مشورتی کمیسیون قضایی و حقوقی در مقام پاسخ به این پرسش چنین بیان داشته که: «تأسیسات آب، برق و مخبرات و نفت و گاز موضوع ماده (۶۸۷) قانون مجازات اسلامی حسب مورد ممکن است از اماکن حساس و حیاتی موضوع بند «۸» ماده (۳) قانون به کارگیری سلاح و یا اماکن امنیتی بند «۱۰» ماده قانونی مزبور تلقی شود که تشخیص آن با عنایت به شرایط و موقعیت زمانی و مکانی با قاضی رسیدگی کننده و عنداللزوم با جلب نظر کارشناس خواهد بود

۱۶- اماکنی هستند که چنانچه تمام یا بخشی از آنها مورد آسیب قرار گیرند، امنیت ملی به خطر می‌افتد و برای جبران خسارت نیاز به زمان و هزینه زیادی می‌باشد. مانند پالایشگاه‌ها، فرودگاه‌های بین‌المللی.

۱۷- به تأسیساتی گفته می‌شود که بروز آسیب‌ها در آنها، منطقه‌ای از کشور را تحت تأثیر قرار دهد مانند فرودگاه‌های محلی و سدهای منطقه ای.

۱۸- تأسیساتی هستند که آسیب به آنها موجب تأثیر منفی در بخشی از یک منطقه شود، مثل نیروگاه‌های برق.

۱۹- تأسیساتی هستند که اهمیت کمتری دارند با این که در گذشته از اماکن مهم و حساس و حیاتی بوده‌اند، در حال حاضر به منظور جلوگیری از بهره‌برداری و سوءاستفاده احتمالی دشمنان از آنها مراقبت می‌گردد.

که در صورتی که از اماکن امنیتی یا حساس یا حیاتی تشخیص داده شد، به کارگیری سلاح توسط مأموران برای حفظ آن‌ها برابر مقررات قانون به کارگیری سلاح در موارد ضروری مجاز خواهد بود.<sup>۲۰</sup>

### ۳-۱-۱-۳-۳- تیراندازی برای جلوگیری و مقابله با اشخاصی که از مرزهای غیرمجاز، ورود یا خروج داشته و به اخطار مأموران مرزبانی توجه نمی‌نمایند

به موجب بند ۱۰ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹، مراقبت و کنترل از مرزهای جمهوری اسلامی ایران از وظایف مأموران انتظامی می‌باشد، در نتیجه مأموران ناجا می‌توانند با رعایت شرایط قانونی در راستای انجام این وظیفه به افرادی که به صورت غیرمجاز از مرزها عبور می‌کنند، تیراندازی نمایند.

در بند ۹ ماده ۳ ق. ب. س، تکلیف تیراندازی به اشخاصی که به طور غیرمجاز قصد خروج یا ورود از مرزهای مجاز دارند روشن نشده است. پرسش این است که آیا مأموران می‌توانند با استناد به این بند به سوی چنین اشخاصی تیراندازی نمایند؟ به نظر می‌رسد، با توجه به تصریح این بند، صرفاً به عبارت «مرزهای غیرمجاز» و استثنائی بودن امر تیراندازی طبق قانون به کارگیری سلاح، مأموران حق تیراندازی به اشخاصی که از مرزهای مجاز کشور به طور غیرمجاز وارد یا خارج می‌شوند را ندارند و بایستی به هر طریقی غیر از تیراندازی با آن‌ها مقابله نمایند، البته بهتر بود قانونگذار بین ورود یا خروج غیرمجاز گروهی یا مسلحانه افراد، با ورود یا خروج غیرمجاز یک شهروند غیرمسلح، تفاوت قائل می‌شد.

دومین موضوع مسکوت این است که چنانچه توسط شورای عالی امنیت ملی، مناطقی به عنوان منطقه ممنوعه اعلام شود، آیا با توجه به بند ۹ ماده ۳ ق. ب. س، مأموران مجاز به تیراندازی به عابرین غیرمجاز که در مناطق یادشده تردد می‌کنند، هستند یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا تیراندازی در مناطق ممنوعه و مناطق عادی از نظر اجرای مقررات و ضوابط قانون به کارگیری سلاح تفاوتی دارد یا خیر؟ به نظر می‌رسد رعایت مقررات قانون به کارگیری سلاح، در کلیه مواردی که مأموران برابر قانون، مجاز به تیراندازی می‌باشند، الزامی بوده و از جهت رعایت مقررات قانون مزبور، فرقی بین مناطق ممنوعه با سایر مناطق وجود ندارد. در ضمن در بند ۹ ماده ۳ قانون موصوف، به تیراندازی در مناطق مرزی تصریح شده است.

۲۰- نظریه مشورتی شماره ۷/۳۴/۴۵۵۷۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۹/۲۹، قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح

#### ۴-۱-۱- تیراندازی در ناآرامی‌ها و راهپیمایی‌های غیرقانونی

به موجب اصل بیست و هفتم قانون اساسی<sup>۲۱</sup>، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌های بدون سلاح، به شرط آن که مخل مبانی اسلامی نباشد، آزاد است. اما ممکن است اجتماعات و راهپیمایی‌ها به نحو غیرقانونی یا با عدول از چهارچوب معین، در مجوز صادر شده و حسب مورد به نحو مسلحانه یا غیرمسلحانه برگزار گردد؛ در این گونه مواقع، مأموران انتظامی برای کنترل و اعاده نظم برابر وظایف ذاتی اقدام می‌نمایند. طبق ماده ۴ ق. ب. س، مأموران برای اعاده نظم و کنترل راهپیمایی‌های غیرقانونی، فرونشاندن شورش و بلوا و ناآرامی‌هایی که بدون به کارگیری سلاح مهار آن‌ها امکان‌پذیر نباشد، حق به کارگیری سلاح را به دستور فرمانده عملیات، در صورت تحقق شرایطی که مقنن مشخص کرده، دارند. به استناد همین ماده، تشخیص و اعلام ناآرامی با شورای تأمین محل است، نحوه ابلاغ مصوبات و تصمیمات شورای تأمین به یگان‌های نظامی و انتظامی در مواقع ناآرامی و شورش از چه طریقی هست؟ با عنایت به این که جهت اجرای مصوبات و تصمیمات شورای تأمین، توسط یگان‌های نظامی و انتظامی، ابلاغ تصمیمات آن‌ها از طریق سلسله مراتب نیروهای مسلح، پیش بینی نشده و در موارد اضطراری و حوادث غیرمترقبه نیز عملاً ابلاغ تصمیمات و مصوبات مزبور از طریق سلسله مراتب فرماندهی میسر نمی‌باشد، لذا اجرای تصمیمات و مصوبات شوراهای مذکور توسط فرماندهان و مسئولان نظامی یا انتظامی نیاز به ابلاغ موضوع از طریق سلسله مراتب فرماندهی ندارد (یزدانیان، ۱۳۹۰، ۳۶).

#### ۴-۱-۱-۱- به کارگیری سلاح در راهپیمایی‌های غیرقانونی<sup>۲۲</sup> و شورش<sup>۲۳</sup> غیرمسلحانه

راهپیمایی‌هایی که دارای مجوز از مراجع قانونی مثل وزارت کشور یا استانداری نیستند، برخی مواقع به شورش‌ها و ناآرامی‌هایی منجر می‌گردد. با توجه به این که راهپیمایی‌ها و شورش‌ها اصولاً در اماکن و معابر عمومی و پررفت‌وآمد شهر شکل می‌گیرند و مسلماً شهروندانی ناخواسته و بدون اطلاع قبلی در این شلوغی‌ها و بین معترضان قرار می‌گیرند و در این هیاهو نه راه برگشت پیدا می‌کنند و نه راه رفت. در این مواقع هدف‌گیری و تیراندازی‌های مأموران باید هدفمند و به سوی افراد رهبری‌کننده و تحریک‌کننده باشد و تیراندازی‌های بدون هدف خاص و صرفاً به سمت جمعیت، مسلماً مسئولیت کیفری در پی خواهد

۲۱- تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

۲۲- به راهپیمایی‌هایی اطلاق می‌شود که بدون اخذ مجوز از وزارت کشور انجام می‌پذیرد.

۲۳- اغتشاش‌ها و بلوهای متعددی است که به طور هم زمان و برای هدف واحدی در محل‌های متفاوت انجام می‌پذیرد.

داشت؛ زیرا احتمال دارد شهروندان بی‌طرفی در آن تیراندازی‌ها، مصدوم یا فوت شوند ولی از آن جا که دستورالعمل خاصی در این راستا تدوین نشده است، مأموران در این موضوع مقرر خاصی نداشته و صرفاً با روش‌هایی مانند استفاده از گلوله‌های رنگی جهت شناسایی افراد یا رنگ پاشی و... اقدام به مقابله و در نهایت تیراندازی می‌نمایند.

## ۲-۴-۱-۱- به کارگیری سلاح به سوی افراد شرکت کننده در ناآرامی‌های مسلحانه

در ناآرامی‌های مسلحانه، وظیفه نیروهای مسلح موضوع قانون، در هر صورت برقراری نظم و امنیت و خلع سلاح و دستگیری شورشیان بوده و شرایط تیراندازی در این مواقع با شرایط تیراندازی در سایر موارد متفاوت است. ماده ۵ ق. ب. س، در این زمینه مقرر می‌دارد: «مأموران نظامی و انتظامی برای اعاده نظم و امنیت در راهپیمایی غیرقانونی مسلحانه و ناآرامی‌ها و شورش‌های مسلحانه مجازند از سلاح استفاده نمایند. مأموران مذکور موظفند به دستور فرمانده عملیات و بدون تعلل نسبت به برقراری نظم و امنیت، خلع سلاح و جمع‌آوری مهمات و دستگیری افراد و معرفی آنان به مراجع قضایی اقدام نمایند». توجه داشته باشیم که تجویز و تکلیف به استفاده از سلاح در مواد ۴ و ۵ ق. ب. س، به دستور «فرمانده عملیات» است. بنابراین اگر مأموری بدون دستور فرمانده عملیات تیراندازی نماید، برخلاف مقررات عمل کرده و مشمول ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۸۲ می‌باشد مگر این که مدعی دفاع مشروع بشود و بتواند ادعای خود را اثبات نماید (حسینی، ۱۳۹۲، ۷۸).

## ۲- تیراندازی به سوی وسایل نقلیه

هدف از تیراندازی به سوی وسایل نقلیه، بازداشتن وسیله نقلیه از حرکت است، بنابراین اصولاً مأموران مجاز به تیراندازی به سوی راننده نمی‌باشند. مأموران انتظامی طبق ماده ۶ ق. ب. س، در هفت حالت حق تیراندازی به وسیله نقلیه متواری را دارند: وسیله نقلیه مسروقه باشد. وسیله نقلیه حامل افراد متواری باشد. وسیله نقلیه حامل اموال مسروقه باشد. وسیله نقلیه حامل کالای قاچاق باشد. وسیله نقلیه حامل مواد مخدر باشد. وسیله نقلیه حامل سلاح و مهمات غیرمجاز باشد. وسیله نقلیه برای تهاجم عمدی به مأموران و یا مردم استفاده شود. مطابق ماده ۶ ق. ب. س، تیراندازی به سوی وسایل نقلیه به منظور متوقف کردن آن توسط مأموران در مواردی مجاز است که وسیله نقلیه بنا به قرائن و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثق مسروقه یا حامل افراد متواری یا اموال مسروقه یا کالای قاچاق یا مواد مخدر و یا سلاح و مهمات غیرمجاز باشد.



اولین خلأ و ابهام پیش آمده در بحث تیراندازی به سوی وسایل نقلیه، تبیین واژه «وسيله نقلیه» می‌باشد: وسیله نقلیه در لغت به معنای هر نوع وسیله‌ای است که قابلیت حمل و نقل را داشته باشد، مانند خودرو، موتورسیکلت، گاری، قاطر و... (عمید، ۱۳۵۳، ۳۰۷). وسیله نقلیه در آئین‌نامه راهنمایی و رانندگی، بدین شرح تعریف شده است: «وسایل موتوری و غیرموتوری که برای جابه‌جایی انسان و کالا به کار می‌روند». با توجه به اینکه شایع‌ترین روش ورود و خروج کالاهای قاچاق در نوارهای مرزی، استفاده از چهارپایان می‌باشد و از طرفی مواد ۳ و ۶ ق. ب. س، موارد مجاز تیراندازی مأموران را به طور حصری، احصاء نموده که شامل فرض اخیر نیست، آیا نیروهای مسلح با یقین به این که چهارپا حامل کالای قاچاق می‌باشد و راکب به ایست مأموران توجهی نمی‌نماید، مجاز به تیراندازی هستند یا خیر؟ در پاسخ باید گفت که با توجه به مطلق بودن عنوان وسیله نقلیه در ماده ۶ ق. ب. س، و اینکه چهارپا نیز وسیله نقلیه به شمار می‌آید و حمل موادمخدر و کالای قاچاق از طریق چهارپایان باعث گسترش این نوع جرایم می‌شود، با تحقق سایر شرایط مندرج در قانون مربوطه، تیراندازی مأموران به آن‌ها فاقد اشکال قانونی است. بنابراین به عنوان نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت که مفهوم وسایل نقلیه در ماده ۶ ق. ب. س، شامل تمامی وسایل نقلیه (اعم از موتوری و غیرموتوری)، انواع اتومبیل‌ها (سواری، باری، مسافربری و...) انواع قایق‌ها و کشتی‌ها و لنج‌ها، انواع هواپیماهای کوچک و بزرگ، انواع موتورسیکلت و انواع چهارپایان (اسب و قاطر و...) می‌شود.

در تیراندازی به سمت کشتی، شناور یا قایق حامل قاچاق (انسان، کالا یا مواد مخدر) که ناخدا و خدمه آن در داخل کشتی نشسته‌اند (کمر به بالا قابل رویت است)، رعایت شرایط تیراندازی کمر به پایین بسیار سخت خواهد بود و همچنین با توجه به شرایط جوی دریا، انجام تیراندازی بسیار سخت‌تر از شرایط عادی و در خشکی است، چرا که با بالا و پایین آمدن قایق و موج بودن دریا، هدف‌گیری و تیراندازی صحیح، عملاً امکان‌پذیر نیست. از طرفی مشکل چالشی‌تر این است که در ساختار برخی از یگان‌های ناجا مانند مرزبانی، استفاده از سلاح‌های نیمه‌سنگین در هنگام درگیری با ترددکنندگان مرزی، پیش‌بینی شده که با توجه به مقررات قانون به کارگیری سلاح، امکان رعایت تیراندازی کمر به پایین در استفاده از این نوع سلاح‌ها (نیمه سنگین) وجود ندارد (غلامی رزینی و همکاران، ۱۳۹۶، ۴).

از مسائل و مشکلات مبتلا به مأموران نیروی انتظامی به ویژه در نقاط مرزی و قاچاق‌خیز کشور، مواجهه با خودروهای اسکورت یا به عبارتی «راه پاک‌کن» می‌باشد، حال چنان‌چه مأموران نیروی انتظامی در منطقه‌ای که محل عبور و مرور قاچاقچیان موادمخدر و مواد سوختی می‌باشد، به راه پاک‌کن

موادمخدر تیراندازی نمایند به گونه‌ای که منجر به فوت وی شود و به همین علت کاروان موادمخدر از محل مزبور عبور عبور ننمایند و از مقتول نیز هیچ گونه موادمخداری کشف نشود، حال با توجه به مقررات بند «الف» ماده مورد اشاره که فقط اجازه تیراندازی به سوی وسیله نقلیه حامل موادمخدر را داده است، تیراندازی مأموران مطابق موازین قانونی بوده است یا خیر؟ «از آن جایی که موارد تیراندازی به سوی وسایل نقلیه به منظور متوقف ساختن آن‌ها توسط مأموران به صورت احصاء شده در ماده (۶) قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۳ مشخص شده است و در غیر از موارد ذکر شده در ماده مزبور، مأموران مجاز به تیراندازی به سوی وسایل نقلیه به منظور متوقف ساختن آن‌ها نمی‌باشند. لذا چنانچه قرائن و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثق دلالت بر حمل مواد مخدر یا کالای قاچاق توسط خودرو ننمایند، تیراندازی به سمت آن برخلاف مقررات است.»<sup>۲۴</sup>

ابهام در عبارت «افراد متواری»، توجه به اینکه در متن ماده ۶ ق. ب. س، عبارت «حامل افراد متواری» بدون قید و شرط و به طور مطلق بیان شده، پرسش این است که منظور از عبارت مزبور چیست؟ آیا منظور از «افراد متواری» کسانی هستند که بنا به دستور مقام قضایی حکم جلب آنان صادر شده و تحت تعقیب می‌باشند؟ آیا منظور از «افراد متواری» اشخاصی هستند که مرتکب جرم مشهود شده و تحت تعقیب ضابطان دادگستری می‌باشند؟ و یا منظور از «افراد متواری» افرادی هستند که پلیس به آنان به لحاظ مظنون بودن، دستور ایست داده، لیکن آنان تعمداً به ایست مأموران توجهی ننموده و متواری می‌شوند؟ به نظر می‌رسد منظور از عبارت «افراد متواری» مذکور در بند «الف» ماده ۶ ق. ب. س، اشخاصی هستند که حسب مورد برابر دستور مقام قضایی تحت تعقیب قرار گرفته و یا به تجویز قوانین و مقررات موضوعه مانند جرایم مشهود، مأموران حق دستگیری آنان را دارند و به منظور عدم دستیابی مأموران متواری شده‌اند.

یادآوری می‌شود به استناد بند «الف» ماده ۶ ق. ب. س، مأموران پیش از تیراندازی باید «بنا به قرائن و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثق» مطمئن شوند که خودرو مسروقه است یا حامل افراد متواری یا... است و گرنه حق تیراندازی ندارند. همچنین اگر مأمور اقدام به تعقیب و تیراندازی به سوی وسیله نقلیه متواری «تحت عنوان دیگری غیر از جرایم مصرح» مانند جرم روزه‌خواری یا ارائه ندادن مدارک خودرو نماید و پس از توقف خودرو، کاشف به عمل آید که راننده متواری که در نتیجه تعقیب و گریز و تیراندازی مأموران، مصدوم یا متوفی شده، از اشخاص قابل تعقیب مصرح در ماده ۶ ق. ب. س، باشد (مثلاً سارق) یا اتومبیل وی حامل

۲۴- رجوع کنید به نظریه مشورتی شماره ۷/۳۴/۲۸۰۰۴ مورخ ۱۳۸۷/۰۷/۱۸، قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح

موادمخدر یا کالای قاچاق باشد، در حالی که مأمور در حین تعقیب و تیراندازی از وجود مواد مخدر یا کالای قاچاق و... نه تنها اطلاعی نداشته، بلکه ظنّ و تصوّر وجود این موارد در خودروی مزبور را هم نداشته است، اقدام مأمور تیرانداز خلاف قانون به کارگیری سلاح خواهد بود. به بیان دیگر، مأموران باید قبل از به کارگیری سلاح، قرائن و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثقی مبنی بر مسروقه بودن خودرو یا حامل بودن افراد متواری یا اموال مسروقه یا کالای قاچاق یا موادمخدر، داشته باشند. بنابراین در مواردی که بدون وجود دلایل معتبر یا اطلاعات موثق اقدام به تیراندازی به خودرو نمایند، با عنایت به این که به کارگیری سلاح تنها در موارد استثنائی که مقنن احصاء نموده، مجاز می‌باشد، موضوع از شمول مقررات قانونی مزبور خارج است و کشف بعدی سلاح یا اموال مسروقه از خودرو موجب قانونی شدن اقدام مأموران نخواهد شد و مسئولیت کیفری و مدنی ناشی از تیراندازی مزبور به عهده مرتکب می‌باشد.<sup>۲۵</sup>

### نتیجه

اقدام به تیراندازی، توسط نیروهای مسلح در مواقع ضروری و در حین انجام وظایف، از اقدامات جدانشدنی این قشر بوده که عدم وجود قانونی جامع در این زمینه، موجبات تعرّض به حقوق شهروندان و بلا تکلیفی مأموران در ماموریت‌های محوله را فراهم می‌آورد. لیکن پژوهش حاضر با بررسی مواد مرتبط در قانون به کارگیری سلاح، در حوزه مواردی که قانوناً مأموران مجاز به تیراندازی هستند، با شناسایی کاستی‌ها، ابهام‌ها و خلأهای قانون مذکور و بررسی مشکلات عملی مأموران در این حوزه، سعی بر رفع این موارد داشته و نتایج به دست آمده به شرح زیر می‌باشد:

نخست؛ در خصوص خلأهای تیراندازی به سوی اشخاص پیاده؛ در بحث دفاع مشروع توسط مأموران باید بیان داشت که اگر شخصی مسلح، به سوی مأمور حمله نماید، رعایت قید اشاره شده در بند (۱) ماده (۳) ق ب س، «بدون به کارگیری سلاح، دفع شخص امکان نداشته باشد» الزامی بوده و صیرف حمله شخص مسلح، به سوی مأمور، مجوزی برای تیراندازی نمی‌باشد، از طرفی باید بیان داشت که مأموران در مقام دفاع از جان شهروندان نیازی به درخواست کمک و یا رعایت سایر موارد مندرج در تبصره یک ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ندارند، زیرا قانون به کارگیری سلاح نسبت به قانون مجازات اسلامی مقررهای خاص بوده و هدف قانونگذار از اشخاص مورد اشاره در تبصره مذکور، افرادی غیر از

۲۵- در پایان یادآوری می‌کنیم که به کارگیری سلاح توسط مأموران تابع شرایطی در مورد مأمور، فرمانده و... است که به دلیل خروج از موضوع این نوشتار به آن‌ها پرداخته نشد.

مأموران می‌باشد. شایان ذکر است، در صورت متواری شدن شخص تحت نظر از کلانتری، مأموران صرفاً در صورتی که شخص تحت نظر با دستور قضایی دستگیر شده باشد، با رعایت شرایط قانونی و مستند به بند ۵ ماده ۳ ق. ب. س، می‌توانند جهت متوقف کردن وی، اقدام به تیراندازی نمایند.

دوم؛ در خصوص خلأهای قانونی در حوزه تیراندازی به سوی وسایل نقلیه؛ مأموران قبل از شروع به تعقیب وسیله نقلیه، باید بر حسب قرائن و دلایل معتبر یا اطلاعات موثق، علم به این داشته باشند که خودرو مسروقه یا حامل افراد متواری یا... است در غیر این صورت اگر مأمور اقدام به تیراندازی به سوی وسیله نقلیه متواری «تحت عنوان دیگری غیر از جرایم مصرح» نماید، تیراندازی وی خلاف قانون به کارگیری سلاح بوده و کشف بعدی سلاح یا اموال مسروقه و... از خودرو موجب قانونی شدن اقدام مأموران نخواهد شد. لازم به ذکر است چهارپا را می‌توان نوعی وسیله نقلیه دانست که در صورت حمل مواد مخدر و کالای قاچاق، مأموران حق تیراندازی به آن را دارند.

سوم؛ پیشنهاد می‌گردد با عنایت به این که مقنن در قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح، تمیز و تشخیص مواقع ضروری استفاده از سلاح سازمانی را بر دوش خود نیروهای مسلح نهاده و این در حالی است که نیروهای مسلح در دوران آموزشی بیشتر تحت تعلیماتی در زمینه نحوه استفاده از سلاح بوده و نه نحوه سنجش و تشخیص موارد ضروری برای استفاده از سلاح، به این نحو که تمرکز مراکز آموزش نظامی و انتظامی، بیشتر در مورد نحوه تیراندازی دقیق و بدون خطا به هدف بوده و در مورد چگونگی نحوه سنجش شرایط و موقعیت‌ها و این که مأمور بداند در کدام موقعیت باید از سلاح استفاده کند، کمتر آموزش داده می‌شود، ضمن این که قانون به کارگیری سلاح در سال ۱۳۷۳، با شتابزدگی و بدون در نظر گرفتن رعایت مصلحت اجتماعی به تصویب رسیده و با خلأها و ابهام‌های فراوانی مواجه است که پاسخ‌گوی چالش‌های امروزی ماموریت‌های حساس و متعدد مأموران نظامی و انتظامی نمی‌باشد، بنابراین ضروری است در برنامه‌های آموزشی اشاره شده، بازنگری صورت پذیرد و قانون به کارگیری سلاح نیز مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرد.

## منابع

- حسینی، سیدرضا، ۱۳۹۲، **پرسی علمی و کاربردی سلاح**، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.
- سازمان قضایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۷، **استعلام قضایی قضات**، چاپ دوم، تهران، انتشارات پونه.
- شاکری، ابوالحسن و بابایی شاهاندشتی، سیدبهامین، ۱۳۹۵، اجرای دستور جلب در حقوق ایران با نگاهی به

حقوق انگلستان، **مطالعات حقوق تطبیقی**، شماره ۱.

- عمید، حسن، ۱۳۵۳، **فرهنگ عمید**، چاپ دوم، تهران، انتشارات جاویدان.
- غلامی رزینی، محسن؛ سلطانی، مسعود؛ غلامی، احسان، ۱۳۹۶، بررسی چالش‌ها و خلأهای قانونی استفاده از سلاح گرم توسط مرزبانان، **پژوهشنامه مطالعات مرزی**، شماره ۴.
- محمدخانی، عباس و صوفی، محسن، ۱۳۹۱، لزوم اصلاح ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح، **نشریه دادرسی**، شماره ۹۵.
- یزدانیان، محمدرضا، ۱۳۹۰، **شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات میزان.

### قوانین

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصلاحی ۱۳۶۸
- قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳
- قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴